

چرا «نزار قبانی» شاعر بزرگ عرب، امام خمینی را ستود؟

۱ اسفند ۱۳۹۳ ساعت ۲۳:۲۹

«نزار قبانی»، شاعر برجسته سوری و سرشناس جهان عرب در قصیده‌ای به ستایش از «جمال عبد الناصر» و بنیانگذار انقلاب اسلامی می‌پردازد؛ چه چیز قبانی را به مدح و ثنا واداشت؟

کسانی که ادبیات عربی را دنبال می‌کنند و حتی کسانی که اندک آشنایی با زبان عربی دارند، غیر ممکن است، نام «نزار قبانی» به گوششان نخورده باشد.

نزار قبانی، زاده ۲۱ مارس ۱۹۲۳ میلادی و درگذشته در ۳۰ آوریل ۱۹۹۸ میلادی، دیپلمات، شاعر و ناشر سوری و متولد دمشق بود. وی شاعری است که با شعرهای احساسی و عاطفی‌اش مشهور است و اغلب شعرهایش را خوانندگان پرآوازه جهان عرب خوانده‌اند، به همین دلیل نزار قبانی در دنیای عرب از شهرتی بی‌همتا برخوردار است و همین موجب شده تا شعرهایش به اکثر زبان‌های دنیا ترجمه شود و خوانندگان بی‌شمار بدست آورد.

البته شعرهای نزار قبانی تنها با اشعار احساسی و عاطفی محدود نمی‌شود، بلکه وی با شکست و عقب‌نشینی اعراب در سال ۱۹۶۷ میلادی در قضیه فلسطین، به شعر سیاسی و شعر مقاومت روی می‌آورد.

قبانی به غیر از زبان عربی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی و اسپانیولی نیز مسلط بود.

اما روزنامه لبنانی «الدیار» در مقاله‌ای به قلم «محمد العس» تاکید می‌کند که این شاعر بزرگ جهان عرب در اشعار خود امام راحل (ره)، بنیانگذار انقلاب اسلامی در ایران و «جمال عبد الناصر»، رئیس جمهوری ملی‌گرا و قوم‌گرای مصر و یکی از بزرگ‌ترین رهبران جهان عرب را ستوده است.

محمد العس در این گزارش تلاش می‌کند، توضیح دهد که چه چیز موجب این مدح و ثنای نزار قبانی از امام راحل و عبد الناصر شده است.

محمد العس در این‌باره می‌نویسد: سوالی که هم اکنون در ذهنم جولان می‌دهد، این است که اگر شاعر بزرگی همچون نزار قبانی

در قید حیات بود، درباره حوادث جاری در جهان عرب و تلاش‌های صورت گرفته برای غارت و تصرف دمشق عزیزش چی می‌گفت و چه می‌نوشت؟ واقعا نزار قبانی درباره کاروان‌های سیاه‌پوش مرگ، که تمام لحظات سپید جهان عرب را ربوده‌اند، چه می‌سرود؟

وی افزود: نزار قبانی برای دوره‌ای که در آن قضیه فلسطین، مهمترین قضیه جهان اسلام نیست و حتی با کلمه و سخنی از آن یاد و حمایت نمی‌شود، چه خواهد نوشت؟

نزار قبانی درباره طایفه گرایی و مذهب گرایی که هم اکنون به فتنه‌ای بزرگ در جهان اسلام و عرب تبدیل شده و همه چون حوری بهشتی در پی او هستند، چه می‌گفت؟

اما صرف نظر از این سوالات، سوالی که در اینجا مطرح است، آن است که چه چیز موجب شد، تا نزار قبانی در یکی از سروده‌های خود به مدح و ستایش از دو رهبر بپردازد که تفاوت‌ها بین آنها نه اندک که بسیار بود. از جمله اینکه:

- از یک مذهب نبودند

- از یک قوم نبودند

- یکی نظامی و دیگری روحانی بود

اما آنچه موجب مدح و ستایش این دو رهبر در شعر نزار قبانی شد، «فلسطین» و «مستضعفین» بود.

العس می‌افزاید: فلسطین و قضیه فلسطین همچون خون در رگ‌های جمال عبد الناصر جریان داشت و به خاطر آن جنگید و «اسرائیل» را به رسمیت نشناخت و صلح با این رژیم یا تسلیم شدن در برابر آن را رد کرد و استراتژی‌اش آزادی فلسطین بود تا تمام اعراب آزاد شوند.

در مقابل امام راحل نیز پس از پیروزی انقلاب اولین کاری که دست به آن زد، بستن سفارت «اسرائیل» در تهران و تبدیل آن به سفارت فلسطین و سپس تعطیلی سفارت آمریکا بود و پس از آن امام راحل فلسطین و قدس اشغالی را به ملکه ذهن و وجدان انقلاب ایران مبدل کردند.

نزار قبانی مذهب این دو شخصیت را ملاک قرار نداد، بلکه به نقطه اشتراک فکری آنها یعنی «فلسطین» پرداخت. در حالی که در برهه کنونی مذهب و دین ملاک حمایت و عدم حمایت از هر انقلابی است و انقلاب‌ها بر اساس ارزیابی مذهبی و دینی ارزش گذاری می‌شوند، به همین دلیل مقوله‌های ملی‌گرایی، قوم‌گرایی، عربی و اسلام به فراموشی سپرده شده‌اند. حتی اسلام را به دو

بخش تقسیم کردیم تا هرکس از دین هرآنگونه که بخواهد تفسیر داشته باشد.

محمد العس تاکید می کند که انقلاب های عبد الناصر و امام خمینی دولت ها، کشورها و ملت هایی را ساختند و شکل دادند که فلسطین در قلبشان جای داشت و به مستضعفان حق شان داده شد، در مصر زمین های زراعی و کشاورزی که توسط زمین داران بزرگ مصادره شده بود و در ایران درآمدهای ملی حاصل از فروش نفت که شاه ایران آن را به درآمدهای شخصی خود مبدل کرده بود.

در حالی که انقلاب های امروزی، انقلاب قبایل و مذاهب است. انقلاب هایی است که از دین برای خود پوششی درست می کنند تا به قدرت برسند و در این راه همه چیز مباح می شود، از دروغ و افترا تا قتل و کشتار و فتنه انگیزی آن هم در همه کشورها و نقاط جهان عرب و اسلام به جز «اسرائیل» و به روی همه مسلمانان و اعراب به «صهیونیست ها». به روی «اسرائیل» و «صهیونیست ها» نه تفنگی برداشته می شود و فریادی از گلو بر می آید، این انقلاب ما برماست.

نزار قبانی هنگامی که شعری برای امام راحل و عبد الناصر نوشت، به مذهب یا قومیت آنها توجه نکرد، آنچه برای وی مهم بود، ارزش هایی بود که بیانگر آن بودند، اما در این دوره دیدگاه هایت اشتباه از آب درآمده اند، چقدر دوست داریم و آرزومندیم که اگر می شد، بازگردی و شعری از تو درباره آنچه اطراف مان می گذرد، بشنویم.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۶۷۵/چرا-ستود-خمینی-امام-عرب-بزرگ-شاعر-قبانی-نزار>